

نقش سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در پیشبرد جهانی حقوق ارتباطات: بررسی تجربیات شورای اروپا

دکتر رؤیا معتمد نژاد

استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۴/۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۷/۲۰

چکیده

بعد از پایان جنگ دوم جهانی، سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، توجه خاصی به رسانه‌ها معطوف داشته‌اند. به طوری که می‌توان گفت امروزه نقش بسیار مؤثری در ارتقای حقوق ارتباطات و تکنولوژی‌های نوین ایفا می‌کنند و تحت تأثیر مساعی این سازمان‌ها رفته رفته شاهد شکل‌گیری یک حقوق نوین فراملی و جهانی، یک حقوق ارتباطی جهانی هستیم.

درفرآیند مقررات‌گذاری‌های ارتباطی یاد شده، به ویژه جایگاه شورای اروپا که یک سازمان مهم منطقه‌ای اروپایی به شمار می‌رود، از اهمیت فراوان برخوردار است. به نحوی که این سازمان توانسته است در میان سایر سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای معاصر، برای بنیادی‌سازی اصول کلی و قواعد اساسی حقوق ارتباطات و پایه‌گذاری استانداردهای عملی آن، سهم بزرگی به عهده گیرد.

توجه ویژه‌ای که در این مقاله به فعالیت‌ها و اقدام‌های شورای اروپا در زمینه مقررات‌گذاری ارتباطات، معطوف شده است، بر اهمیت دست‌آوردهای آن در این زمینه استوار است.

واژه‌های کلیدی: سازمان منطقه‌ای اروپایی، حقوق ارتباطات، حقوق بین‌الملل.

مقدمه

حقوق ارتباطات، که بادامنه گسترده کنونی آن، علاوه بر زمینه‌های قدیمی حقوق مطبوعه حقوق رادیو و تلویزیون و سینما، زمینه های جدید تکنولوژی‌های اطلاعات، مانند این ماهواره های پخش مستقیم تلویزیونی و تلفن متحرک و نظایر آن ها را در بر می گیرد، بر حقوق مطبوعات، که از قرن هفدهم تا قرن بیستم، تنها حوزه مطالعات حقوقی ارتباطی به می‌رفت و فقط در چهارچوب حقوقی داخلی کشورها، مورد مطالعه قرار می گرفت، تحت دگرگونی های مختلف جهانی و پیشرفت تکنولوژی های ارتباطی، علاوه بر عرصه حقوق در عرصه‌های حقوق بین المللی و حقوق منطقه ای نیز طرف توجه واقع شده است و به گم رو به گسترش گذاشته است که پیش بینی می شود، در آینده نزدیک به یک «حقوق جهانی» گردد.

سابقه تاریخی مقررات گذاری بین المللی ارتباطات، طولانی است و از زمان پس از ا تلگراف، به عنوان نخستین تکنولوژی نوین ارتباطی در اواسط قرن نوزدهم میلادی و ته عهدنامه و اساسنامه «اتحادیه تلگراف بین المللی» در سال ۱۸۶۵، آغاز می شود و با ته قطعنامه سال ۱۹۲۵ مجمع جامعه ملل درباره «همکاری مطبوعات برای سازماندهی صلح» عهدنامه بین المللی مربوط به کاربرد پخش رادیویی به نفع صلح» مصوب سال ۱۹۳۶ مجمع ملل، ادامه پیدا می کند!

در دوره پس از پایان جنگ جهانی دوم، کوشش های بین المللی برای تدارک ابزارهای - مربوط به ارتباطات، از طریق سازمان ملل متحد و نهادهای تخصصی آن، به صورت نظام مند، دنبال می شوند که بررسی آن ها در این مقاله مورد پیش بینی قرار نگرفته اس فرصت دیگری موكول شده است.

اقدام ها و مساعی مقررات گذاری ارتباطات در سطح منطقه ای نیز از همان دوره پس از جهانی دوم، آغاز گردیده اند و شورای اروپا، که نخستین نهاد مشارکت آمیز دولت های غر قاره اروپا به شمار می رود، پیشگام مقررات گذاری مذکور در منطقه اروپا و حتی در سایر جهان شناخته می شود.

۱. معتمدزاد کاظم و رؤیا معتمدزاد، حقوق ارتباطات، جلد یکم، تهران، انتشارات دفتر مطالعات و توسعه ر.

کوشش ها و فعالیت های پر دامنه و بی وقفه دهه های اخیر شورای اروپا در عرصه سیاست گذاری و مقررات گذاری ارتباطات، بسیار جالب توجه به نظر می رسند.

طبیعتاً، توصیف و تشریح تلاش های شصت ساله این سازمان منطقه ای، در زمینه ارتباطات، از حوزه محدود یک مقاله، خارج است. به همین جهت در تهیه و تدوین این مقاله، سعی شده است، بیشتر به نکاتی که شورا را از نهادهای همتای آن متمایز می سازند، پرداخته شود.

آشنایی محققان حقوق ارتباطات با کوشش ها و تجربه های دهه های اخیر سازمان های منطقه ای و بین المللی، در مورد مقررات گذاری های تکمیلی این حوزه مهم حقوقی، بدون شک ضروری است.

در این زمینه، بررسی نمونه شورای اروپا، به عنوان یک «مجموعه منطقه ای»، یک «نهاد نظام دهی» و یک «فضای حقوقی»- که «حقوق فرادولتی» تولید می کند- برای پژوهشگران حقوق عمومی نیز می تواند جالب توجه باشد.^۱

«دولت های پست مدرن» معاصر، از جمله دولت های عضو شورای اروپا، امروزه به خوبی به این موضوع واقف اند که دیگر تنها منشأ و تنها تولید کننده حقوق نیستند و به ناچار باید برای تکمیل مقررات حقوقی ملی خود و هماهنگی آنها با مقررات گذاری های سازمان های منطقه ای و بین المللی، با این سازمان ها، همکاری کنند.^۲

تحقیق حاضر، درباره «نقش سازمان های منطقه ای و بین المللی راجع به پیشبرد حقوق ارتباطات»، دارای سه بخش است، در بخش یکم، قبل از پرداختن به فعالیت های شورای اروپا، در زمینه حقوق ارتباطات، کلیاتی در مورد ویژگی های حقوق منطقه ای و حقوق بین المللی ارتباطات، ارائه شده است.

به عبارت دیگر، این بخش، حقوق ارتباطات را از عرصه داخلی تا عرصه های منطقه ای و بین المللی مورد بررسی قرار داده است.

در بخش دوم، اقدامات شورای اروپا در زمینه مقررات گذاری ارتباطات، طرف توجه واقع شده است.

1. V. Chevallier (J.), L'Etat Post- Moderne, Paris, L.G.D.J., 3eme ed, 2008, 266 pp.

۲. رؤیا معتمدزاده تحولات حقوق عمومی»، جزوه درسی دوره کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشکده حقوق و

بخش سوم، به مطالعه کوشش‌های شورای اروپا، درباره تدارک مقررات حقوقی تکنولوژی نوین اطلاعات و ارتباطات و بررسی ویژگی‌های آن‌ها، اختصاص یافته است.

بخش یکم: حقوق ارتباطات از عرصه داخلی تا عرصه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی

قبل از پرداختن به معرفی اقدامات خاص شورای اروپا در زمینه حقوق ارتباطات، لازم است بُعد داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی حقوق مذکور، مورد مطالعه قرار گیرند.

گفتار یکم: جهانی شدن ارتباطات و ضرورت پیش‌بینی چهار چوب حقوقی بین‌المللی آن

امروزه، وسایل ارتباط جمعی یا رسانه‌های همگانی، نه تنها در سطح داخلی، بلکه در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی نیز دارای چهار چوب‌های حقوقی هستند.

نیاز به چنین مقرراتی، به ویژه در عصر جهانی شدن ارتباطات، از ضرورت‌های مهم به حساب می‌رود.

در سطح داخلی، کشورهایی در تهیه و تدوین مقررات حقوقی ارتباطی پیشقدم بوده اند موازات پیشرفت تکنولوژی‌ها، برای رسانه‌های مختلف، مقررات گذاری کرده اند. هر چند همین کشورها نیز، برخی از محققان معتقداند که حقوق ارتباطات هنوز هم به وسعت و انس لازم نرسیده است و باید به صورت کامل تر و جامع تر در آید.^۱

اما هر چه جریان جهانی شدن ارتباطات شدت و وسعت پیدا می‌کند، بیشتر بر ضرورت پیش مقررات منطقه‌ای و بین‌المللی آن‌ها تأکید می‌شود.

البته سئوالات متعددی هم در این باره مطرح می‌شوند. از جمله، این پرسش پیش می‌آید نقش تدارک مقررات حقوقی برای وسایل ارتباط جمعی، با کدام نهادهای منطقه‌ای و بین‌اله بوده است؟

دیگر آن که اصولاً نقش حقوق منطقه‌ای و بین‌المللی ارتباطات، در این زمینه چه می‌تواند باشد همچنین این سوال مطرح می‌شود که آیا برنامه‌های تدارک مقررات حقوق منطقه‌ای و بین‌اله یاد شده، در اهداف خود موفق بوده اند؟

اگر جواب مثبت است، دلایل چه هستند و اگر جواب منفی است، باید موانع را بررسی کرد.^۱

بند یکم: حقوق منطقه‌ای و بین‌المللی ارتباطات از ضرورت‌های عصر جهانی شدن

جهانی شدن ارتباطات و رسانه‌ها، امروزه یک واقعیت است. بنابراین، نیاز به تدوین مقررات حقوقی برای رسانه‌ها، در ابعاد منطقه‌ای و بین‌المللی وجود دارد. در مورد حقوق ارتباطات در سطح داخلی، با وجود مقررات متعدد و متنوع کشورها، هنوز راجع به چگونگی آن، سوال مطرح است. در این زمینه، بدون تردید، مشکلات و موانع بیشتری بر سر راه شکل‌گیری حقوق منطقه‌ای و بین‌المللی ارتباطات وجود دارند.

الف: پدیده جهانی شدن ارتباطات و رسانه‌ها

عصر حاضر، عصر جهانی شدن و قبل از هر چیز، جهانی شدن مناسبات و مبادلات تجارتي در میان کشورهاست. اما این پدیده، غیر از جنبه‌های اقتصادی، جنبه‌های فرهنگی و فکری گوناگونی را نیز دارا است. مخصوصاً، واقعیت‌های فرهنگی موجود در روابط کشورها، بر ابزار تکنیکی مبتنی هستند.^۲ به بیان دیگر، از طریق وسایل ارتباطی نسبتاً قدیمی، مانند مطبوعات و رادیو و تلویزیون و وسایل ارتباطی نوین، مانند اینترنت، تلویزیون‌های ماهواره‌ای و تلفن متحرک است که امروزه انسان‌ها در هر کجای این «دهکده جهانی» باشند، می‌توانند به طور همزمان تصویرها و پیام‌های مشترک دریافت کنند.

همچنین بر روی همین ابزارهای ارتباطی است که «ارزش‌های جهانی شدن»، ارزش‌هایی همچون رقابت اقتصادی، جامعه مصرفی، دولت قانونمند و غیره... در جریان هستند. به طور کلی، جهانی شدن ارتباطات و رسانه‌ها، اموری همچون صادرات و واردات، تولید و توزیع ابزارهای اطلاعات (همچون روزنامه، کتاب، فیلم، سی دی)، پخش و دریافت بین‌المللی

۱. برای اطلاعات بیشتر رجوع شود به جزوه درسی دکتر رؤیا معتمدزاد، «حقوق منطقه‌ای و بین‌المللی ارتباطات»، دوره

کارشناسی ارشد حقوق ارتباطات، دانشکده حقوق و علوم سیاسی و دانشگاه علامه طباطبائی، زمستان سال ۱۳۸۸

2. V. Auby (J.-B.), La Globalisation. Le droit et L'Etat, Paris, Monchrestien, 2003, p.17.

برنامه های رادیویی-تلویزیونی از طریق ماهواره ها و ارتباطات متقابل از طریق اینترنت همکاری های بین المللی در تولید و انتشار (آثار موسیقایی و سینمایی و غیره...)، تشکیل گروه بزرگ رسانه ای در سطح بین المللی و نظایر آن ها را شامل می شود.

پدیده جهانی شدن رسانه ها، مانند هر پدیده دیگری دارای نکات مثبت و نکات منفی است یک طرف، به دنبال جهانی شدن، شاهد تسریع در جریان ازاد اطلاعات هستیم و درها به دیگر فرهنگ ها و دیگر تمدن ها گشوده می شوند و از طرف دیگر، نکات منفی یا خطرهای ه این زمینه، به ذهن متبادر می گردند.

آیا این خطر وجود ندارد که به دنبال جهانی شدن رسانه ها، معضلاتی همچون «یکسان س دنیا، امپریالسم فرهنگی، سلطه یک بلوک یا قدرت جهانی را شاهد باشیم. به نحوی که کش خاص، یا کشورهای خاص، یا حتی گروه های اقتصادی و صنعتی قدرتمند، بخواهند فرهنگ را بر دنیا چیره سازند و موجب از بین رفتن هویت فرهنگی دیگر کشورها شوند.

در خصوص فرهنگ و ارتباطات و به ویژه رسانه ها، جهانی شدن ایجاب می کند که حا برای آن ها در سطح بین المللی تدوین شود تا بتواند تحولات ناشی از آن ها را در نظر داشته با، از سوء استفاده های مربوط به آن ها، جلوگیری کند.

ب: اهمیت حقوق منطقه ای و بین المللی ارتباطات

اکنون که جهانی شدن ارتباطات و رسانه ها، به صورت یک واقعیت در آمده است، بیش ا وقت دیگری، به تدوین حقوق مربوط به آن ها در سطح های بین المللی و منطقه ای نیاز وجود بدون تردید، تنها از طریق حقوق، می توان بر امور ارتباطات و کارکردهای رسانه ها نظا داشت. در غیر این صورت، این تهدید وجود دارد که قدرت های تکنیکی و اقتصادی، زمام آن ها را در دست گیرند و مورد سوء استفاده قرار دهند. حقوق منطقه ای و بین المللی ارتبا می تواند چندین هدف را دنبال کند.^۲

حقوق مذکور، می تواند جنبه های مثبت جهانی شدن رسانه ها را که سودمند هستند، تشویق در مقابل، آثار سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، منفی و تهدید آمیز آن ها، برای ملت ها را، مانع شود

. Derieux (E.), op. Cit., p.786

۲. برای اطلاعات بیشتر رجوع شود به جزوه درسی رؤیا معتمد نژاد درباره حقوق تطبیقی ارتباطات، کارشناسی حقوق ارتباطات، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، زمستان سال ۱۳۸۸.

همچنین حقوق منطقه ای و حقوق بین المللی ارتباطات، می تواند سعی در نزدیک کردن^۱ حقوق داخلی کشورها در زمینه ارتباطات داشته باشد.

به بیان دیگر، تلاش در جهت هماهنگ ساختن^۲ حقوق داخلی کشورها، به نوعی که ناهمگونی ها میان آن ها (از جمله در زمینه هایی همچون عناصر تشکیل دهنده ساختار مؤسسات ارتباطی، نظام حقوقی مسئولیت ها، حقوق مالکیت فکری و غیره...) از میان برداشته شوند، ضرورت دارد.

چرا که این ناهمگونی ها می توانند موجب عدم تعادل و جا به جاسازی به سوی کشورهای کمتر حمایت کننده، کمتر متوقع و در نهایت، مانعی بر سر جریان آزاد اطلاعات باشند.

به همین سبب است که اصولاً تحت تأثیر جهانی شدن، حقوق بین الملل عمومی، «بیش از پیش در پی وحدت گرایی حقوق داخلی کشورهاست»^۳

بند دوم: سازمانهای منطقه ای و بین المللی، تدوین کنندگان حقوق منطقه ای و بین المللی ارتباطات

«موضوع» حقوق منطقه ای و بین المللی ارتباطات، پرداختن به روابط بین المللی و یافراملی در زمینه رسانه ها و تکنولوژی های نوین اطلاعاتی و ارتباطات است.^۴ روابطی که بیش از پیش توسعه پیدا کرده اند.

همان طور که در بالا گفته شد، امروزه با پدیده هایی همچون جریان آزاد بین المللی اطلاعات، ابزارهای تکنیکی آن ها، محتواها و برنامه های ارتباطات و رسانه هایی که ویژگی «بدون مرز» یا «فرامرزی» بودن را دارند، مواجه هستیم.

به همین لحاظ، مقررات حقوقی مربوط به آن ها را نمی توان تنها در سطح داخلی متصور شد. بلکه مقررات گذاری های آن ها در بُعدهای منطقه ای و بین المللی نیز ضرورت پیدا کرده اند.

1. Rapprochement

2. Harmonisation

3. Slim Laghmani, "Droit international et droits internes: Vers un Renouveau du Jus gentium?", in Rafea Ben Achour et Slim Laghmani (ed.), Droit international et droit interne, Developpements Recents, Pedone, 1998, p.23.

4. Derieux (E.), op. cit, p.796.

الف: سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و مقررات گذاری ارتباطات و رسانه‌ها

مقررات گذاری‌های لازم، در زمینه ارتباطات و رسانه‌ها، در سطح فراملی، توسط سازما منطقه‌ای و بین‌المللی انجام می‌پذیرند.

غالباً در چهار چوب این سازمان‌ها، متون تشکیل دهنده حقوق منطقه‌ای و حقوق بین ارتباطات شکل می‌گیرند.

از میان سازمان‌های بین‌المللی عمومی یا تخصصی که در تدوین متون حقوق ارتباطات فعال اند، می‌توان به مجمع عمومی سازمان ملل متحد، شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد، یوآ اتحادیه بین‌المللی ارتباطات دور، سازمان جهانی مالکیت فکری، اشاره کرد.

در سطح منطقه‌ای، و به طور خاص منطقه اروپا، می‌توان از دو نهاد، شورای روپا از یک اتحادیه اروپایی از سوی دیگر، نام برد.

در چهار چوب این دو سازمان منطقه‌ای، دولت‌های اروپایی استقلال عمل خود را نسبتاً از داده‌اند و حاکمیت گذشته را دارا نیستند. بنابراین، دو سازمان مذکور، از استقلال زیادی نسبت دولت‌های اروپایی برخوردارند و به همین جهت می‌توانند راحت تر مصوبات و تصمیمات خود به دولت‌های عضو بقبولانند.

دولت‌های اروپایی هم در مقابل از دست دادن استقلال عمل خود، می‌توانند به همکاری چند جانبه بیشتری با یکدیگر در سطح سازمان‌های منطقه‌ای بپردازند.

در سطح سازمان‌های بین‌المللی، دولت‌ها استقلال عمل خود را کاملاً دارا هستند، اما همکاری‌های لازم، دست پیدا نمی‌کنند.

ب: تفاوت حقوق منطقه‌ای ارتباطات و حقوق بین‌المللی ارتباطات

حال باید دید که متون حقوقی مصوب در چهارچوب سازمان‌های یاد شده، که اکثراً به صورت معاهده هستند، از چه ضمانت اجرایی برخوردارند.

به نظر می‌رسد که آن دسته از متون مربوط به ارتباطات که در سازمان‌های منطقه‌ای به تصویب دولت‌ها می‌رسند، از ضمانت اجرای بالاتری برخوردارند.

شاید بتوان گفت که حقوق منطقه‌ای ارتباطات، و بیشتر منظور منطقه اروپاست، از حقوق بین‌المللی ارتباطات موفق تر بوده است.^۱

دلیل این امر آن است که اصولاً تفاوت‌های زیادی میان حقوق بین‌المللی و حقوق منطقه‌ای وجود دارند. میان این دو، نه یک تفاوت ساده مبتنی بر اندازه و میزان، بلکه یک تفاوت مربوط به طبیعت و ماهیت مقررات حقوقی وجود دارد.^۲

محدودیت‌ها و موانعی که بر سر راه حقوق بین‌المللی ارتباطات قرار دارند، شاید کم تر در سطح منطقه‌ای مطرح باشند. باید توجه داشت که جامعه بین‌المللی، از چند قرن پیش بر اصل مهمی استوار شده است که اصل «حاکمیت» دولت‌هاست.^۳

از جمله محدودیت‌ها یا موانعی که بر سر شکل‌گیری حقوق بین‌الملل برای رسانه‌ها وجود دارند، همین اصل حاکمیت است. تحت تأثیر این اصل، قراردادها یا معاهده‌های بین‌المللی، تنها با اراده و یا رضایت دولت‌ها به امضا می‌رسند و بعد اعمال و رعایت می‌شوند.

علاوه بر آن، فقدان یک نهاد قضایی در سطح بین‌المللی، مانع آن است که معاهدات، ضمانت اجرای قوی داشته باشند. در سطح منطقه‌ای، همچون منطقه اروپا، رسیدن به چهارچوب حقوقی، از جمله در زمینه رسانه‌ها، کار آسان تری است.

دلایل متفاوتی برای این مدعا وجود دارند: از یک سو، کشورهای اروپایی، به لحاظ اقتصادی، صنعتی، تکنیکی، تقریباً هم سطح هستند. همچنین به لحاظ سیاسی و ایدئولوژیکی، به یکدیگر نزدیک ترند. از سوی دیگر، نهادهایی همچون شورای اروپا و اتحادیه اروپایی، از استقلال عمل زیادی برخوردارند.

اصل حاکمیت دولت‌ها که قبلاً از آن یاد کردیم، در سطح سازمان‌های یاد شده کم رنگ تر است و متون مصوب در چهارچوب این سازمان‌ها از ضمانت اجرای بسیار بالایی برخوردارند. اصل سلسله مراتب میان قواعد حقوقی، که به موجب آن قاعداً معاهدات بین‌المللی در مرتبه‌ای بالاتر از قوانین عادی قرار می‌گیرند هم در سطح منطقه‌ای کاملاً به مورد اجرا در می‌آید. براین اساس، قوانین عادی باید با معاهدات منطقه‌ای مطابقت داشته باشند.

1. Derieux, op. cit., p.785.

2. Ibid, op. Cit., p.809.

۳. جزوه درس رؤیا معتمدنژاد، «حقوق منطقه‌ای و بین‌المللی ارتباطات»، کارشناسی ارشد حقوق ارتباطات، سال

اصلی دیگری، تحت عنوان «اصل قابلیت اعمال مستقیم»^۱، که به موجب آن، بعضی از متقاضیان تصویب، به صورت اتوماتیک وارد حقوق داخلی کشورها می‌گردند، نیز بیشتر در - اروپایی دیده می‌شود. در نتیجه، شهروندان این کشورها می‌توانند به دادگاه‌های داخلی مراجعه کنند و برای تأمین حقوق خود به این متون استناد نمایند.

در مرحله بعدی هم می‌توانند از دادگاه‌های منطقه‌ای بخواهند تا با استناد به متون یاد حقوق آن‌ها را به تحقق برسانند. نمونه‌های مهم دادگاه‌های منطقه‌ای، دیوان اروپایی حقوق بشر سطح شورای اروپا و دیوان دادگستری اتحادیه اروپایی هستند.

به عنوان نتیجه‌گیری می‌توان گفت که «آینده» حقوق منطقه‌ای ارتباطات، از آینده - بین الملل ارتباطات روشن تر است.

گفتار دوم: اصول بنیادی مشترک حقوق داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی ارتباطات

همان گونه که حقوق داخلی رسانه‌ها بر اصولی اساسی مبتنی است، حقوق منطقه‌ای و بین‌المللی رسانه‌ها نیز بر اصول پایه‌ای استوار شده‌اند.

این اصول، به عنوان اصول بنیادی به شمار می‌روند، برای حقوق منطقه‌ای و بین‌المللی ارتباطات هدف و نقش در نظر می‌گیرند و به آن‌ها انسجام می‌بخشند.

قاعدتاً می‌بایست ابتدا اصول مذکور را مشخص ساخت و سپس به مقررات گذاری‌ها پرداخت. اما متأسفانه این امر، نه تنها در مورد حقوق منطقه‌ای و بین‌المللی ارتباطات، بلکه در مورد - داخلی ارتباطات نیز اعمال نشده است.

یعنی، به جای این که اول اصول مهم مشخص گردند و سپس با توجه به آن‌ها، قواعد و مقررات تدوین شوند، جریان کار بر عکس بوده است. در عمل، ابتدا مقررات گذاری‌ها انجام شده‌اند اکنون سعی می‌شود از روح آن‌ها اصول پایه‌ای استخراج گردند.

اصولی که حقوق منطقه‌ای و بین‌المللی ارتباطات بر آن استوار شده‌اند، در واقع همان اصول هستند که به عنوان ستون یا پایه حقوق داخلی ارتباطات به شمار می‌روند.^۲ این اصول به ترتیب آزادی رسانه‌ها و حق بر اطلاعات را در بر می‌گیرند.^۳

e Principe d'Applicabilite' directe

۲. در سطح داخلی، این اصول در قوانین اساسی، در قوانین عادی و نیز در رویه قضایی دادگاه‌ها پیش بینی شده

۳. Derieux(E.), op.cit., pp.37 et s.

بندیکم: آزادی رسانه‌ها^۱

تعداد بی شماری از قواعد و مقرراتی که حقوق منطقه‌ای و بین‌المللی ارتباطات را تشکیل می‌دهند، بر اساس اصل آزادی تدوین شده‌اند. منظور، اصل آزادی با مفهوم لیبرالی سنتی آن است. یعنی آزادی استقلال یا همان آزادی عمل. در این جا، آزادی رسانه‌ها دارای دو بُعد است: آزادی بیان و لیبرالیسم اقتصادی

الف: اصل آزادی بیان

در سطح‌های منطقه‌ای (اروپایی) و بین‌المللی، همانند سطح داخلی کشورهای تکثرگرا، اصل آزادی بیان یا آزادی ارتباطات، اساس حقوق ارتباطات به شمار می‌رود. در زمینه مذکور، از یک سو بر این اصل تأکید شده، و از سوی دیگر ضرورتاً محدودیت‌هایی برای آن در نظر گرفته می‌شوند.

اصل یاد شده از ارزش حقوق والایی برخوردار است. در سطح منطقه‌ای، به ویژه^۲، ضمانت اجرای بالایی برای آن در نظر گرفته شده است. به طوری که برای دولت‌ها، وظایف و الزاماتی و برای افراد عادی، حقوقی را به دنبال آورده است.

نه تنها متون حقوقی معروف در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی، به صورت مستقیم یا غیر مستقیم، بلکه رویه قضایی نیز بر این اصل تأکید دارد. از جمله متون مذکور، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- منشور سازمان ملل متحد، مصوب سال ۱۹۴۵، اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب سال ۱۹۴۸ (اصل ۱۹)، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب سال ۱۹۶۶ (اصل ۱۹).
- کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مصوب سال ۱۹۵۰ (اصل ۱۰)، کنوانسیون تلویزیون فرامرزی مصوب سال ۱۹۸۹ (پیش گفتار) شورای اروپا
- رهنمود تلویزیون بدون مرز مصوب سال ۱۹۸۹، تجدید نظر شده در سال ۱۹۹۷ (پیش گفتار)، منشور حقوق اساسی، مصوب سال ۲۰۰۰ (اصل ۱۱)، اتحادیه اروپایی
- رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر نیز به صورت مفصل به مفهوم آزادی بیان پرداخته و چهار چوب، هدف و حیطة آن را مشخص کرده است.^۱

با وجود مطالبی که گفته شد، متون حقوقی و رویه قضایی یاد شده، بر ضرورت محدود آزادی بیان در صورت سوء استفاده از آن تصریح کرده اند. در جوامع دموکراتیک، ارزش‌هایی همچون نظم عمومی، بهداشت و اخلاق عمومی، کرامت انسانی، حقوق دین حقوق کودک، اقتدار و استقلال قوه قضائیه، از اهمیت زیادی برخوردار است. بنابراین نمی‌توان بهانه آزادی بیان، این ارزش‌ها را نقض کرد.

ب: اصل لیبرالیسم اقتصادی^۲

اصل «لیبرالیسم اقتصادی» که جایگاه مهمی در حقوق اروپا و به خصوص حقوق اتحادیه اروپا دارد، می‌تواند تأثیرات مهمی بر ساختار رسانه‌ها داشته باشد.

این اصل از طریق متون حقوقی در سطح اتحادیه، اعلان شده است. سپس رویه قضایی دادگستری، به روشن کردن مفهوم و چهارچوب آن پرداخته است. البته این اصل نیز، مانند آزادی دیگری دارای محدودیت‌هایی است. چرا که نباید از آن سوء استفاده شود یا با حقوق و منافع در تضاد باشد.

معاهدات بنیادی اروپا^۳ و تعداد دیگری از متون حقوقی تبعی^۴، اصل لیبرالیسم اقتصادی عنوان اصلی پایه در نظر گرفته اند. بنابراین، به منظور تحقق اصل آزادی فعالیت‌های اقتصادی رسانه‌ها نیز یکی از این فعالیت‌ها به شمار می‌روند، متون حقوقی اتحادیه اروپایی به صراحت مشخص به تأکید بر اصول زیر می‌پردازند:

جریان آزاد (کالاها، افراد و سرمایه‌ها)، ارائه آزاد خدمات و در نهایت اصل آزادی رقابت.

بند دوم: حق بر اطلاعات^۵ از آزادی «شکلی» تا آزادی «واقعی»

مفهوم لیبرالی که از آزادی یا همان آزادی «استقلال»^۶ همیشه وجود داشته، به معنای عدم دست‌مقدمات دولتی بوده است.

۱. رؤیا معتمد نژاد، جزوه درسی «حقوق منطقه‌ای و حقوق بین‌المللی ارتباطات»، سال تحصیلی ۱۳۸۸

آزادی مذکور، در حقوق ارتباطات، به این معنا است که افراد بتوانند آزادانه عقاید خود را بیان کنند، یا به هر حال به فعالیت مورد دلخواه خویش بپردازند. در مقابل آن، افراد برای دریافت این عقاید و اطلاعات نیز آزاد هستند.

اکثر متون حقوقی که در سطح منطقه ای و یا در سطح بین المللی به رسانه ها اختصاص یافته اند، تحت تأثیر دیدگاه لیبرالی هستند. اگر چه اصل آزادی، بسیار حائز اهمیت است، اما از سویی دارای محدودیت هایی است و از سوی دیگر همیشه جنبه ملموس و واقعی پیدا نمی کند. این موضوع در مورد ارتباطات و رسانه ها نیز کاملاً صدق می کند. اما، این خطر وجود دارد که آزادی های اعلان شده، تنها جنبه شکلی داشته باشند و به اجرا در نیایند.

به همین جهت، برای تحقق هر چه بیشتر آزادی، تحقق واقعی تر آن و از جمله آزادی بیان، حقوقدانان بر این اعتقاد هستند که می توان از مفهوم دیگری کمک گرفت و آن مفهوم چیزی جز «حق بر اطلاعات» نیست.

اصل «حق مردم برای اطلاعات، فرهنگ، آموزش و معرفت»، در تعداد زیادی از متون حقوقی، که تشکیل دهنده حقوق منطقه ای و حقوق بین المللی ارتباطات هستند، به طور کلی یا به طور خاص، پیش بینی شده است. همچنین، رویه قضایی منطقه ای نیز به حمایت از این اصل پرداخته است.

در سطح بین المللی، هم اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، اشارات کلی به این اصل دارند.

اشارات خاص به مفاهیمی همچون «حق مردم برای اطلاعات» یا «حق مردم برای فرهنگ» را می توان از جمله در متون بین المللی مربوط به حقوق مالکیت فکری نیز یافت.

در سطح اروپایی، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و منشور حقوق اساسی، هم اشارات کلی به اصل یاد شده دارند. در حالی که اشارات خاص به مفهوم «حق عموم مردم»، بیشتر در متون اروپایی مربوط به تلویزیون یا تبلیغات بازرگانی دیده می شوند.

در نهایت، دیوان اروپایی حقوق بشر، به طور مکرر در آراء خود بعد از این که بر آزادی بیان تأکید می کند، اضافه می نماید که هدف غایی، برآورده ساختن حقوق عموم مردم، از جمله حق

دسترسی به اطلاعات، حق مطلع شدن، حق دریافت اطلاعات و غیره... است. که البته بیشتر، اطلاعاتی هستند که به «منافع عمومی» مربوط می‌شوند.^۱

بخش دوم: نقش شورای اروپا در ارتقای حقوق ارتباطات

حقوق منطقه‌ای (اروپایی) ارتباطات، تحت تأثیر کوشش‌های دو سازمان منطقه‌ای مهم ار شامل شورای اروپا و اتحادیه اروپایی، به وجود آمده‌است.

از آن جا که شورا و اتحادیه، دو ساختار مجزا و متفاوت هستند، در این جا، میان ارتباطات در سطح شورای اروپا و حقوق ارتباطات در سطح اتحادیه اروپایی، تفکیک می‌شویم و تنها به حقوق ارتباطات در سطح شورای اروپا می‌پردازیم.

حقوق ارتباطات در سطح اتحادیه اروپایی، به بررسی‌های کامل تری نیاز دارد و اصولاً، موضوع آن متفاوت‌اند.^۲

گفتار اول: ویژگی‌های حقوق ارتباطات در سطح شورای اروپا

قبل از پرداختن به حقوق ارتباطات در سطح شورای اروپا، به معرفی شورای اروپا می‌پردازیم:

بند یکم: معرفی شورای اروپا

شورای اروپا که یکی از قدیمی‌ترین سازمان‌های بین‌المللی است و فعالیت آن بر همه دولت‌های اروپایی استوار است، در سال ۱۹۴۹، توسط ده دولت عضو پایه‌گذار^۳ این نهاد، تشکیل شده است. این دولت‌ها امیدوار بودند بتوانند از این طریق، مانع وقوع دوباره فجایعی بشوند. جریان دو جنگ جهانی در قرن بیستم، اتفاق افتادند.

rets de la CEDH, Jersild c. DANEMARK, 23 Septembre 1994; Goodwin v. United Kingdom, 27 mars 1996; Fressoz et Roire c. France. 21 Janvier 1999. Etc....

۲. برای اطلاعات بیشتر رجوع شود به جزوه درسی رؤیا معتمدنژاد، «حقوق منطقه‌ای و حقوق بین‌المللی ارتباطات».

کارشناسی ارشد حقوق ارتباطات. سال تحصیلی ۱۳۸۸

۳. این کشورها بلژیک، دانمارک، فرانسه، ایرلند، ایتالیا، لوگزامبورگ، هلند، نروژ، سوئد و انگلستان را در بر می‌گیرد.

تقریباً اکثر کشورهای اروپایی امروزه به شورای اروپا پیوسته‌اند. به گونه‌ای که تعداد اعضای آن به چهل و هفت دولت، رسیده است.^۱ کشورهای همچون کانادا، ژاپن، ایالات متحده آمریکا و مکزیک، به عنوان «ناظر»^۲ در فعالیت های شورای اروپا، مشارکت دارند. در مجموع، شورای اروپا، یک جمعیت هشتصد میلیون اروپایی را در بر می‌گیرد.

در اساسنامه شورا که در سال ۱۹۴۹ تصویب شده است، اهداف این سازمان، که از جمله، ارتقای حقوق بشر، دموکراسی و دولت مبتنی بر حقوق را شامل می‌شوند، برشمرده شده‌اند. ساختار شورای متشکل از ارگان‌های زیر است:

- کمیته وزیران، که نهاد تصمیم‌گیری به شمار می‌رود، در برگیرنده وزرای امور خارجه دولت‌های عضو است.

- مجمع پارلمانی که نقش پیشنهاد کننده بسیاری از سیاست‌ها را داراست، از نماینده‌های مجالس قانونگذاری دولت‌های عضو تشکیل شده است.

- کنگره قدرت‌های محلی و منطقه‌ای،^۳ در برگیرنده نماینده‌های تقسیمات کشوری چهل و هفت کشور عضو شورا است و نقش کمک به ارتقای دموکراسی محلی و منطقه‌ای را دارد.

- دیوان اروپایی حقوق بشر، نهاد قضایی شورا و تضمین کننده حقوق مورد پیش‌بینی در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، مصوب سال ۱۹۵۰، به شمار می‌رود.

در دهه‌های اخیر، حدود دویست کنوانسیون در چهار چوب فعالیت‌های شورای اروپا به تصویب رسیده‌اند و در صورتی که دولت‌ها به آن ملحق شده باشند، جنبه الزام آور دارند. البته باید در نظر داشت، اعضا شورای همگی به کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مصوب سال ۱۹۵۰، ملحق شده‌اند و اکثر آن‌ها، عضویت در کنوانسیون‌های دیگر را هم پذیرفته‌اند.

۱. به غیر از ده کشور نامبرده، دیگر اعضا به ترتیب زیر هستند:

آلبانی، آندور، ارمنستان، اتریش، آذربایجان، بوسنی- هرزگوین، بلغارستان، کرواسی، قبرس، جمهوری چک، استونی، فلاند، گرجستان، المان، یونان، مجارستان، ایسلند، لتونی، لیتوانی، مالت، مولداوی، موناکو، مونتنگرو، لهستان، پرتغال، رومانی، فدراسیون روسیه، سن مارین، صربستان، سلوواکی، سلوونی، اسپانیا، سوئیس، ترکیه، اوکراین، جمهوری مالدوای

2. Le Statut d 'Observateur

3. Le Congrès des Pouvoirs Locaux et Regionaux

بند دوم : حقوق ارتباطات در سطح شورای اروپا : ویژگی‌ها

الف- تلاش شورای اروپا در جهت «هماهنگ کردن» قوانین داخلی مربوط به ارتباطات

حقوق منطقه‌ای ارتباطات، همان طور که در بخش قبلی گفته شد، نسبت به حقوق بین‌الملل ارتباطات، از انسجام محتوایی بیشتر و از همه مهم‌تر، از ضمانت اجرای بالاتری برخوردار است. این امر، با توجه به آن که، بدون ضمانت اجرای قوی، قواعد حقوقی نمی‌توانند به طور و وجود داشته باشند، اهمیت فراوانی دارد.

در چهارچوب دو سازمان اروپایی، یعنی شورا و اتحادیه، دولت‌های عضو آن‌ها، از حاکم خود تا حدی چشم پوشی کرده‌اند و تابع تصمیمات سازمان‌های یاد شده اند. که البته، این امر مورد اتحادیه اروپایی، بیشتر صدق می‌کند.

بنابراین، تحت تأثیر سیاست‌های این دو سازمان، رفته‌رفته شاهد هماهنگ شدن قوانین دولت‌های اروپایی هستیم.

در زمینه ارتباطات و رسانه‌ها، تلاش برای هماهنگ کردن قوانین، توسط اتحادیه، بیشتر اقتصادی دارد. در حالی که منظور از مطابقت دادن قوانین داخلی با هنجارها و مقررات ش ظاهراً بیشتر جنبه حقوق بشری دارند.

ب- منابع حقوق ارتباطات در سطح شورای اروپا

منظور از هنجارهای شورا یا همان «منابع» حقوق ارتباطات در سطح شورا، به ترتیب، مصوب مندرج

در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مصوب سال ۱۹۵۰ (به ویژه اصل ۱۰ آن در مورد آزادی بیان و دیگر کنوانسیون‌های مصوب شورا، از جمله کنوانسیون تلویزیون فرامرزی، مصوب سال ۱۸۹ متون حقوقی دارای سطح ارزش حقوقی پایین‌تر و کم‌تر، از جمله قطعنامه‌ها، توصیه‌نامه‌ها، اعلامیه‌های مربوط به زمینه ارتباطات و رسانه‌ها، هستند.

اصل ۱۰ کنوانسیون یاد شده، چنین مقرر داشته است: «۱- هر کس دارای حق آزادی بیان است این حق شامل آزادی عقیده و آزادی دریافت یا انتقال اطلاعات یا افکار، بدون امکان مدا

مقامات دولتی و بدون توجه به مرزهاست. ماده حاضر مانع آن نمی شود که دولت ها، مؤسسات رادیو، سینما یا تلویزیون را به رعایت نظام کسب اجازه فعالیت، ملزم سازند.

۲- به کار بستن این آزادی ها متضمن تکالیف و مسئولیت هایی است. این تکالیف و مسئولیت ها، ممکن است تابع برخی تشریفات، شرایط، محدودیت ها یا ضمانت اجراها- که در قانون پیش بینی شده اند. و در یک جامعه دموکراتیک، اقدامات ضروری برای امنیت ملی، تمامیت ارضی یا امنیت عمومی، دفاع از نظم و پیشگیری جنایت، حمایت سلامت یا اخلاق، حمایت شهرت و حیثیت یا حقوق دیگران و جلوگیری از افشای اطلاعات محرمانه یا تضمین اقتدار و بی طرفی قوه قضاییه را تشکیل می دهند- قرار گیرند.

در آخر، باید اضافه کرد که رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر، درباره آزادی بیان، از اهمیت خاصی برخوردار است.

پ- ضمانت اجراها

در مورد کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، همه چهار و هفت کشور عضو، ناگزیر به الحاق به آن شده اند.

بنابراین، کنوانسیون امروزه وارد حقوق داخلی این کشورها شده است. در صورت نقض کنوانسیون، از جمله اصل ۱۰ آن، توسط یکی از دولت های عضو، افراد می توانند بعد از طی کردن تمام مراحل رسیدگی به نقض کنوانسیون در مقابل دادگاه های داخلی، در نهایت، به دیوان اروپایی حقوق بشر شکایت کنند.^۱

در دهه های اخیر، بسیاری از دولت های عضو شورا، به دنبال محکوم شدن و تحت تأثیر رویه قضایی دیوان، ملزم به پرداخت غرامت و حتی ملزم به تجدیدنظر در قوانین داخلی خود، از جمله در زمینه ارتباطات شده اند.^۲

بنابراین، می توان گفت، در حالی که در سطح اتحادیه اروپایی، هماهنگ سازی مقررات به صورت سخت تر و شدیدتر است و این به دلیل آن است که اصولاً حقوق اتحادیه مذکور، در

۱. معتمدزاد رویا. «دیوان اروپایی حقوق بشر و پشتیبانی از آزادی مطبوعات». اطلاعات سیاسی- اقتصادی. تهران

مقایسه با حقوق شورا، حالت الزام آورتری دارد، در سطح شورای اروپا، هماهنگ سازی مقر به صورت نرم و انعطاف پذیر و به نوعی بی صدا انجام می پذیرد. به بیان دیگر، در شورا، تصویب قطعنامه‌ها و اعلامیه‌ها، بسنده نمی‌شود، بلکه ابزارهای دیگر نیز از جمله برگ کنفرانس‌ها، اعزام متخصصان در جهت آموزش، پیشنهاد همکاری به کشورها در امر قانونگذاری نیز به کار گرفته می‌شوند.

گفتار دوم: بررسی تاریخی فعالیت‌های شورای اروپا در زمینه ارتباطات

در این بخش، مراحل کلیدی تحول شصت سال فعالیت‌های شورای اروپا در زمینه معرفتی می‌شوند. همچنین کنفرانس‌های وزیران اروپایی در مورد سیاست گذاری در زمینه ارتباطات، که به دوره‌ای برگزار شده‌اند، مورد بررسی قرار می‌گیرند.

بند یکم: مراحل کلیدی شصت سال فعالیت‌های شورای اروپا در زمینه رسانه‌ها

شورای اروپا، از آغاز تأسیس آن در سال ۱۹۴۹ تا به امروز، در انطباق با مفاد اساسنامه سازمان و به منظور تحقق بخشیدن به اصل ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، مصوب سال در مورد آزادی بیان، فعالیت‌های زیادی در زمینه رسانه‌ها داشته‌است. برای این مدت زمان طو می‌توان چندین مرحله را در نظر گرفت:^۱

از ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۶:

فعالیت‌های شورای اروپا در زمینه رسانه‌ها از همان آغاز کار آن، شروع می‌شوند. در این مسائل گوناگونی مورد بررسی قرار می‌گیرند، از جمله حق پاسخ افراد، رعایت زندگی خص آنها توسط رسانه‌ها، حق دسترسی افراد به اطلاعات، مسئله انحصار که تهدید کننده آ مطبوعات است و غیره....

از ۱۹۷۶ تا ۱۹۸۱:

در سال ۱۹۷۶، وسایل ارتباط جمعی به صورت یک زمینه فعالیت تام و همه جانبه در می آیند. در همان سال، «کمیته متخصصان در زمینه وسایل ارتباط جمعی»،^۱ که یک سال بعد (در سال ۱۹۷۷)، عنوان آن کمی تغییر می کند و به «کمیته ویژه متخصصان در زمینه وسایل ارتباط جمعی»،^۲ تبدیل می شود، تأسیس می گردد.

بنابراین، از سال ۱۹۷۶ به بعد، مسائل مربوط به رسانه ها در چهار چوب یک نهاد خاص، مطرح می شوند. از آن، زمان کمیته مذکور، به صورت مکانی برای اندیشیدن به عملکرد رسانه ها در یک جامعه دموکراتیک و تکثرگرا، از طریق تدارک گزارش ها و مطالعات گوناگون در آمده است و به کمک دولت های عضو در جهت سیاست گذاری برای رسانه ها و نیز تدوین قوانین در این زمینه، ملزم شده است.

آن چنان سیاست گذاری و قانونگذاری که می بایست با یک مجموعه از آرمان های مشترک اروپایی (از جمله آنهایی که در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر ذکر شده اند)، انطباق داشته باشد.

از ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۹:

در سال ۱۹۸۱، نام کمیته یاد شده، مجدداً تغییر می کند و با عنوان: «کمیته مدیریت در مورد وسایل ارتباط جمعی»،^۳ به کار خود ادامه می دهد. کلمه «مدیریت» خود نشان از ارتقای نقش این نهاد دارد.

همچنین، کمیته مذکور که قبلاً وابسته به اداره کل حقوق بین الملل شورای اروپا بود، از این پس به اداره کل حقوق بشر وابسته شد.^۴

البته در این میان، کمیته یاد شده همچنان از متخصصان بلند پایه دولت های عضو و تعدادی از اعضا به عنوان «ناظر»، بدون حق رأی، ترکیب می یابد.

در ۲۹ آوریل سال ۱۹۸۲، اعلامیه کمیته وزیران شورای اروپا در مورد «آزادی بیان و اطلاعات» به تصویب می رسد.^۱

1. Comit'e d'Experts Sur Les Moyens de Communication de masse

2. Comite Ad Hoc d'Experts Sur Les Moyens de Communication de masse (CAHMM)

3. Comit'e Directeur Sur Les Moyens de Communication de masse (CDMM)

۴. این نکته نیز حائز اهمیت بود، نمایانگر این بود که موضوع رسانه ها مربوط به حقوق بشر می شود.

بنابراین از تاریخ مذکور به بعد، کارهای کمیته نه تنها در تبعیت از اصل ۱۰ کنوانسیون اروپا حقوق بشر، بلکه با توجه به اعلامیه مذکور باید انجام پذیرد. این کمیته دارای کمیته‌های فرعی نیز بود. از جمله، یکی از آنها در باره سیاست‌گذاران زمین‌رسانه‌ها و دیگری در مورد مسائل حقوقی مربوط به رسانه‌ها بود. این کمیته، در سال‌های ۱۹۸۰ به مسائل گوناگونی همچون، مسائل مربوط به آغاز فقه ماهواره‌های پخش مستقیم تلویزیونی، ابعاد حقوقی تلویزیون کابلی، حقوق مالکیت فقه رسانه‌ها و فرهنگ، رسانه‌ها و تروریسم، زن و رسانه، رسانه‌ها و خشونت، ویدئو و غیره... پرداخت. گاه مباحثه‌های مطرح شده در چهار چوب کار کمیته، سال‌ها به طول انجامیدند تا بالا بصورت کنوانسیون در آمدند. از جمله، کنوانسیون تلویزیون فرامرزی مصوب سال ۱۹۸۹ می‌توان نام برد.^۲

به این گونه شورای اروپا، اولین سازمانی بود که به مسائل حقوقی جریان منطقه‌ای - بین‌المللی برنامه‌های تلویزیونی توجه خاص معطوف نمود.

از اواخر سال‌های ۱۹۸۰ به بعد:

دو واقعه مهم در اواخر سال‌های دهه ۱۹۸۰، کارهای شورای اروپا در زمینه رسانه تحت الشعاع قرار می‌دهند. از یک طرف تحولات سیاسی در اروپای مرکزی و اروپای شرقی طرف دیگر، گذار به سوی جامعه اطلاعاتی.

۱. برنامه‌های همکاری و مساعدت:

پس از دگرگونی‌های سیاسی در کشورهای اروپایی یاد شده، توجه شورای اروپا به مطرح شده در دموکراسی‌های تازه تاسیس، معطوف گردید. زیرا بعد از سال‌ها کنترل دولتی روی رسانه‌ها، این کشورها تصمیم داشتند نظام رسانه‌های آزاد و کثرت‌گرا برقرار کنند.

۱. کاظم معتمد نژاد و رؤیا معتمد نژاد، حقوق ارتباطات، جلد یکم، تهران انتشارات مرکز مطالعات و توسعه رسد

۱۳۸۶، صفحه‌های ۴۵۹ و ۴۶۰

۲. کاظم معتمد نژاد، حقوق تبلیغات بازرگانی، تهران، انتشارات مرکز مطالعات و توسعه رسانه‌ها، ۱۳۸۸، صفحه‌ها:

طی دو کنفرانس وزیران اروپای که به ترتیب در نیکوزیا (سال ۱۹۹۱) و پراگ (۱۹۹۴) برگزار شدند، دولت های عضو شورای اروپا، متعهد شدند که در این امر دولت های تازه استقلال یافته را کمک کنند.

از آن پس، شورای اروپا، با همکاری کمیته مدیریت در مورد وسایل ارتباط جمعی، کمک های متعددی به این کشورها کرد.

از جمله، در چهار چوب برنامه دموستن^۱، شورای مذکور به برگزاری کارگروها، ارائه دروس آموزشی، عرضه بورس تحصیلی، پیشنهاد همکاری در تدوین قوانین و غیره... مبادرت ورزید.^۲ همکاری در امر قانونگذاری، از طریق اعزام متخصصان اروپایی مستقل به این کشورها انجام گرفته است و هدف آن، سعی بر مطابقت دادن قوانین مطبوعاتی، رادیو-تلویزیونی این کشورها، با هنجارهای حقوقی اروپایی بوده است.

در مورد نهاد های رادیو-تلویزیون در کشورهای تازه استقلال یافته، کوشش به عمل آمد تا رفته رفته از موسسات تحت انحصار دولتی، به رادیو-تلویزیون خدمت عمومی تبدیل شوند.^۳

۲. ظهور تکنولوژی های نوین اطلاعات و ارتباطات

وزیران اروپایی، به پیشنهاد کمیته مدیریت در مورد وسایل ارتباط جمعی، طی سومین کنفرانس مربوط به سیاست گذاری وسایل ارتباطی در نیکوزیا (قبرس اکتبر سال ۱۹۹۱)، برای اولین بار به ابعاد گوناگون تکنولوژی های نوین اطلاعات و ارتباطات توجه پیدا می کنند و به دنبال آن، رفته رفته توجه کمیته مذکور به مسائل جدید در مورد تکنولوژی های نوین معطوف می شود.

کمیته، پیشنهاد می دهد که پنجمین کنفرانس درباره سیاست گذاری وسایل ارتباطی در شهر تسالونیک (یونان، دسامبر سال ۱۹۹۷)، کاملاً به موضوع تکنولوژی های نوین اطلاعات و ارتباطات، اختصاص یابد.

1. Le Programme Demosthene

2. Mowes (B.).op.Cit.,p.15

۳. قطعنامه مصوب کنفرانس یاد شده پراگ تحت عنوان «آینده رادیو-تلویزیون خدمت عمومی» به همین منظور تدوین شد.

پیش از آن هم کمیته یاد شده، در سال ۱۹۹۵، کار گروهی از متخصصان به منظور بررسی تکنولوژی‌های نوین اطلاعات و ارتباطات، بر حقوق بشر و ارزش‌های دموکراتیک، تأسیس بود.

تحوالات اخیر:

طی هفتمین کنفرانس وزیران اروپایی، که در سال ۲۰۰۵ در شهر کیف برگزار شد، به وزیران شورای اروپا پیشنهاد شد که مأموریت «کمیته مدیریت ارتباط جمعی»، همگام با تحولات تکنولوژی‌های نوین، باز تعریف شود. به همین منظور، در سال ۲۰۰۹، نام کمیته مذکور تغییر کرد و به عنوان «کمیته مدیریت در مورد رسانه‌ها و خدمات نوین ارتباطات» در آمد.^۱ به طور کلی، هدف‌های کمیته را می‌توان در حال حاضر به صورت زیر خلاصه کرد:

- تدارک سیاست‌های اروپایی هماهنگ و ابزارهای حقوقی لازم، به منظور پاسخگوئی سوالات جدیدی که وسایل ارتباط جمعی سنتی و نوین در یک جامعه دموکراتیک، می‌سازند. از جمله موضوعات مورد نظر در این زمینه، آثار تکنولوژی‌های نوین بر بشر، نقش رسانه‌ها در تضمین ثبات دموکراتیک، انسجام اجتماعی و تکثر فرهنگی، رسانه‌های خدمات عمومی در جامعه اطلاعاتی، رسانه‌ها و بحران، جایگاه آموزش رسانه‌ها هستند.

- آماده ساختن کنفرانس‌های دوره‌ای وزیران مسئول رسانه‌ها و خدمات نوین ارتباطات
- پی‌گیری فعالیت‌های همکاری اروپایی در زمینه رسانه‌ها و تکنولوژی‌های نوین
- ارتقای حقوق بشر و آزادی‌های بنیادی، به ویژه آزادی بیان و اطلاعات در یک دموکراتیک و تکثرگرا و نیز جریان آزاد اطلاعات و عقاید به صورت فرامرزی
- تشویق تکثر وسایل ارتباط جمعی مستقل به نوعی که عقاید و فرهنگ‌های متنوع بیان‌شده همچنین گفتگوهای فرهنگی ارتقا پیدا کنند.

کمیته یاد شده، برای پیشبرد اهداف خود، می‌تواند کار گروهی، گروه‌های مشاورتی و تأسیس نماید.

بند دوم: اهمیت کنفرانس‌های وزیران اروپایی در زمینه سیاست گذاری وسایل ارتباط جمعی

در اوایل سال‌های ۱۹۸۰، تصمیم گرفته شد کنفرانسی متشکل از وزرای مسئول ارتباطات و رسانه‌های دولت‌های عضو شورای اروپا، گرد هم آیند و به مسائل مهم در زمینه سیاست گذاری برای رسانه‌ها پردازند.

بنابراین، اولین کنفرانس وزیران ارتباطات در این زمینه، در روزهای ۹ و ۱۰ دسامبر سال ۱۹۸۶ در شهر وین اتریش برگزار شد.

موضوع کنفرانس: «آینده تلویزیون در اروپا» بود. طی جلسات این کنفرانس، متن‌های سه قطعه‌نامه و یک اعلامیه به تصویب رسیدند.

از جمله مسائل مطرح شده در کنفرانس مذکور، ارتقای آثار سمعی و بصری اروپایی، تولید این آثار و تدارک چهار چوب حقوقی برای تلویزیون بدون مرز در سطح اروپا و غیره... بود. در ضمن، تصمیم گرفته شد که کنفرانس‌های دیگری نیز به صورت دوره‌ای برگزار شوند.

به این ترتیب، تشکیل کنفرانس‌ها موجب شد که فعالیت شورای اروپا در زمینه سیاست گذاری برای رسانه‌ها، تداوم پیدا کند. به طوری که تا کنون، هشت کنفرانس در این زمینه برپا شده اند.

دومین کنفرانس وزیران شورای اروپا در روزهای ۲۳ و ۲۴ نوامبر سال ۱۹۸۸ در شهر استکهلم سوئد، درباره «سیاست اروپایی در زمینه ارتباطات جمعی در یک بافت بین‌المللی»، برگزار شد.

طی این گرد همایی نیز، بحث‌های جلسات به بررسی چهار چوب حقوقی تلویزیون فرامرزی اختصاص داشت و این بار، دیگر مشخص بود که صحبت از امضای کنوانسیون در مورد آن، ادامه خواهد یافت.

موضوع کنوانسیون آینده تلویزیون فرامرزی، هماهنگ کردن قوانین تلویزیونی دولت‌های عضو در چند زمینه خاص، از جمله حمایت از حقوق کودک، حق پاسخ، مسئولیت نهادهای تلویزیونی، تبلیغات بازرگانی و ارتقای برنامه‌های اروپایی، بود.

رسیدن به اتفاق نظر میان دولت‌های عضو، درباره بعضی از این مباحث (از جمله قطع برنامه‌ها برای پخش تبلیغات بازرگانی، یا اختصاص دادن بخشی از برنامه‌ها به تولیدات اروپایی و غیره...)،

کار آسانی نبود. در نهایت، در آخر کنفرانس، توافق نسبی به دست آمد.^۱ در پایان کنفرانس، دو قطعنامه و یک اعلامیه به تصویب رسیدند.

سومین و چهارمین کنفرانس وزیران ارتباطات اروپا، که به ترتیب در شهر نیکوزیا (قبره) روزهای ۹ و ۱۰ اکتبر سال ۱۹۹۱ و در شهر پراگ (چکی)، در روزهای ۷ و ۸ دسامبر سال برگزار شدند، با تحولات سیاسی در کشورهای اروپای مرکزی و اروپای شرقی تقارن داشتند. این دو کنفرانس، عمدتاً به برنامه‌های همکاری با این کشورها در زمینه ارتباطات اختراع یافتند.

پنجمین کنفرانس وزیران ارتباطات اروپا، در ۱۱ و ۱۲ دسامبر سال ۱۹۹۷ در شهر تسالونیک برگزار شد. موضوع آن: «جامعه اطلاعاتی: چالشی برای اروپا» بود.

در این گردهمایی، وزیران اروپایی اساساً به آثار مثبت (از لحاظ حقوق بشری) و آثار منفی (برای کودکان، بر کرامت انسانی، بر حقوق مالکیت فکری) تکنولوژی‌های نوین پرداخته و ویژه، به منظور پیش‌گیری از ایجاد هر نوع شکاف دیجیتال میان افراد غنی و فقیر در سطح اصل ایجاد یک «سرویس جهانی جماعتی»^۲ را پیشنهاد دادند.

به موجب این اصل، دولت‌های عضو شورای اروپا باید کوشش کنند تا تمام شهروندان با بهره‌گیری از نوین اطلاعات و ارتباطات، دسترسی داشته باشند. در این کنفرانس، سه قطعنامه و اعلامیه و یک برنامه عمل، به تصویب رسیدند.

ششمین کنفرانس وزیران اروپایی، در روزهای ۱۵ و ۱۶ ژوئن سال ۲۰۰۰ در شهر کرالها (لهستان) برگزار شد، که به تصویب یک اعلامیه و یک قطعنامه منجر گردید.

عنوان این کنفرانس: «یک سیاست ارتباطی برای فردا» بود. در این کنفرانس، بحث و گفت‌وگو، درباره اقداماتی که باید در جهت تحقق چهار موضوع انجام گیرند، صورت پذیرفتند:

۱. باید اضافه کرد که اصولاً تصویب این کنوانسیون به سختی انجام پذیرفت. از یک سو، اختلافات میان اتحادیه اروپا و دولت‌های عضو، و از سوی دیگر، اختلافات در داخل خود شورا میان دولت‌های عضو. بالاخره در ۱۵ مارس ۱۹۸۹، بعد از سال‌ها بحث و گفت‌وگو کنوانسیون یاد شده به تصویب رسید.

۱- ایجاد تعادل بین آزادی بیان و اطلاعات، از یک سو و توجه به حقوق و منافع مشروع از سوی دیگر، ۲- تضمین تکرر در فضای نوین اطلاعاتی و ارتباطی، ۳- پیشبرد انسجام اجتماعی توسط رسانه‌ها و ۴- مطابقت دادن چهارچوب حقوقی فعلی رسانه‌ها با تحولات جدید تکنولوژی.

هفتمین کنفرانس وزیران اروپایی، در روزهای ۱۰ و ۱۱ مارس سال ۲۰۰۵، در شهر کیف (اوکراین)، با عنوان: «مرزهای جدید سیاست اروپایی در زمینه رسانه‌ها و ارتباطات»، برگزار شد. متون مورد تصویب در این کنفرانس، به ترتیب، شامل یک اعلامیه سیاسی، چهار قطعنامه و یک برنامه عمل بودند.

از جمله مباحث مطرح شده در کنفرانس مذکور، آزادی بیان و اطلاعات و نقش رسانه‌ها در زمان بحران، اهمیت پاسداری از تنوع فرهنگی، زبانی و تکرر در رسانه‌ها در عصر جهانی شدن، حقوق بشر در جامعه اطلاعاتی، انواع مقررات گذاری‌ها در فضای نوین رسانه‌ای (از جمله خود مقررات گذاری، همکاری در مقررات گذاری و مقررات گذاری‌های سستی)، بودند.

کنفرانس بعدی، کنفرانسی است که در روزهای ۲۸ و ۲۹ ماه مه سال ۲۰۰۹ در شهر ریکیاویک (اسلند) برگزار گردید.

در بخش سوم این مقاله، از مباحث مطرح شده در کنفرانس اخیر صحبت شده است. انتظار می‌رفت که از این کنفرانس به عنوان هشتمین کنفرانس وزیران اروپایی ارتباطات سخن به میان آید، اما برخلاف انتظار، به عنوان اولین کنفرانس مجموعه جدید از کنفرانس‌های «وزیران مسئول رسانه‌ها و خدمات جدید ارتباطی» معرفی شد.

بخش سوم: شورای اروپا و تکنولوژی‌های نوین اطلاعات و ارتباطات

بسیاری از سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، در چند دهه اخیر، فعالیت‌های بسیار ارزنده‌ای در مورد مقررات گذاری تکنولوژی‌های نوین اطلاعات و ارتباطات داشته‌اند.

شورای اروپا، به ویژه اقدامات چشم‌گیری در این زمینه به عمل آورده است. آن چه در این باره، باید مورد بررسی قرار گیرد، مفاهیمی هستند که این نهاد را از دیگر سازمان‌ها متمایز می‌سازند.

به همین لحاظ، در این جا به بعضی از نوآوری‌های شورای اروپا در زمینه حقوق ارتباطات پرداخته می‌شود.

گفتار یکم: «مفهوم نوین رسانه»: موضوع کنفرانس ریکیاویک (سال ۲۰۰۹)

در ماه مه سال ۲۰۰۹، در شهر ریکیاویک، کشور ایسلند، در چهارچوب برنامه‌های شورای اولین کنفرانس وزیران مسئول رسانه‌ها و تکنولوژی‌های نوین، با عنوان: «مفهوم نوینی از د تشکیل شد.^۱ در جلسات این کنفرانس، چندین مقاله ارائه گردیدند و در پایان آن نیز متو تصویب رسیدند.

در میان مقالات مورد عرضه به کنفرانس مذکور، مقاله‌ای که بیش از همه آن را تحت ا قرار داد، مقاله‌ای با همان عنوان کنفرانس درباره «مفهوم نوینی از رسانه» بود که به وسیله ژاکوبویچ،^۲ متخصص لهستانی تبار حقوق ارتباطات، که تا کنون چندین سمت مهم در ش اروپا و یونسکو داشته است، تدوین و ارائه شده بود.

بند یکم: بررسی مقاله ژاکوبویچ

ژاکوبویچ در مقاله خود، بیش از هر چیز، به بررسی تطبیقی رسانه‌های سنتی و رسانه‌های می‌پردازد.

وی در این مقاله، در صدد اثبات آن است که در مجموعه تکنولوژی‌های نوین اطلاعات ارتباطات، همه آن‌ها رسانه نیستند.

به عقیده او، با ظهور اینترنت، بازیگران یا ارتباط گران جدیدی در سطح جهانی وارد ارتباطات می‌شوند و محتواهای جدیدی را عرضه می‌کنند.

اما سؤال این است که آیا آن‌ها می‌توانند «رسانه» محسوب شوند؟ یا آن که جنبه شه دارند، ارتباطات میان فردی یا بین گروهی برقرار می‌سازند و به هیچ وجه نمی‌توانند رسانه ب تلقی گردند.

وی برای رسانه‌های سنتی، شش ضابطه را در نظر می‌گیرد. سپس هر یک از آن‌ها را در خدمات یا تکنولوژی‌های نوین اطلاعات و ارتباطات، مورد بررسی مقایسه ای قرار می‌دهد. ضوابط رسانه ای یاد شده، به این ترتیب هستند:

st Council of Europe Conference of Ministers Responsible for media and New unication Services. A New Notion of Media? (28 & 29 May 2009. Reykjavik, md)

AKUBOWICZ (K.), A New Notion of Media? Media and information Society sion, Council of Europe, April 2009.

۱. رسانه‌های سنتی هدف دارند: از جمله آن که اطلاع رسانی می‌کنند، بر افکار عمومی تأثیر می‌گذارند، منافع عمومی را دنبال می‌کنند و موجب تحقق آزادی بیان می‌شوند.
۲. این رسانه‌ها، دارای سیاست تحریریه‌ای‌اند و یک فرایند تحریریه‌ای را دنبال می‌کنند: به این معنا که به تولید محتوا می‌پردازند یا در پی به دست آوردن آن هستند و در نهایت که محتوا را پخش کردند، مسئولیت تحریریه‌ای آن را قبول می‌کنند.
۳. رسانه‌های مذکور، دارای روزنامه نگاران و دیگر آفرینندگان محتوا هستند.
۴. رسانه‌های سنتی، به صورت «دوره‌ای» (منظم) به انتشار می‌پردازند.
۵. این رسانه‌ها، ارتباطات جمعی (یا عمومی) را موجب می‌شوند.
۶. رسانه‌های یاد شده، در نهایت تعدادی هنجارهای اخلاقی، حرفه‌ای و حقوقی را رعایت می‌کنند. حال که این عناصر مشخص شده‌اند، سؤال‌های متعددی مطرح می‌شوند. از جمله آن که آیا «وبلاگ» را، که روزنامه نگاری بر خط هم گفته می‌شود، می‌توان رسانه محسوب کرد. البته همه وبلاگ نویسان، ادعا ندارند که کار روزنامه نگاری انجام می‌دهند و فعالیت های اکثر آن‌ها جنبه شخصی دارند. از میان وبلاگ‌هایی که کار روزنامه نگاری انجام می‌دهند، باید دید کدامشان، آن شش ضابطه یاد شده را دارا هستند.
- به ویژه، باید دید چه هدفی دنبال می‌کنند. آیا سیاست و مسئولیت تحریریه‌ای دارند، آیا هنجارهای اخلاقی، حرفه‌ای و حقوقی را رعایت می‌نمایند؟

بند دوم: متون مصوب در کنفرانس ریکیاویک

متن‌های مصوب کنفرانس ریکیاویک، به طور کلی تحت تأثیر دیدگاه‌های ژاکوئویچ بوده‌اند: این متون، یک اعلامیه سیاسی، یک قطعنامه، تحت عنوان: «به سوی مفهوم جدیدی از رسانه»، یک برنامه عمل با عنوان: «به سوی مفهوم جدیدی از رسانه‌ها و آثار این تحول» و قطعنامه دیگری تحت عنوان: «راهبری اینترنت و منابع ریشه‌ای اینترنت» را شامل می‌شوند. از مجموعه متون یاد شده، می‌توان ایده‌های زیر استخراج کرد:

تا قبل از ظهور تکنولوژی‌های نوین اطلاعات و ارتباطات، مفهوم «رسانه» به آن گونه ارتباط‌هایی گفته می‌شد که به صورت پیام‌های مدون، سمعی و یا بصری بودند، صورت جمعی و عمومی داشتند و از هنجارهای اخلاقی و مسئولیت تحریریه‌ای تبعیت می‌کردند.

اکنون تحت تأثیر پیشرفت تکنولوژی، شاهد دگرگونی‌های زیادی در عرصه ارتباطات و نحوه دسترسی به اطلاعات (یا همان محتوا) و نیز شیوه در دسترس قرار دادن آن، متحول است.

امروزه کاربران تکنولوژی‌های نوین اطلاعات و ارتباطات، نقش و مشارکت فعالی در این دارند. هر فردی می‌تواند آفریننده اثر و نشر کننده آن باشد.

به همین لحاظ، به نظر می‌رسد که مفهوم رسانه، باید مورد بررسی و تجدید نظر قرار گیرد میان خدمات نوین ارتباطی، بعضی می‌توانند عنوان رسانه به خود بگیرند. ولی آن دسته از خدمات را که به صورت ارتباطات شخصی هستند، نمی‌توان رسانه به شمار آورد.

بنابراین بسیار حائز اهمیت است ضوابطی در نظر گرفته شوند که امکان تفکیک میان خدمات نوینی را که رسانه تلقی می‌شوند و آن خدماتی که جنبه شخصی دارند و نمی‌توان آن‌ها را به شمار آورد، فراهم سازند.

همانند رسانه‌های سنتی، ارائه کنندگان خدمات اطلاعاتی و ارتباطی نوین نیز باید تلاش باشند که بعضی از ارزش‌های اساسی را رعایت کنند. نه تنها به حقوق خود، بلکه به وظایف و مسئولیت‌های خویش نیز باید واقف باشند.

در کنار هنجارها و مقررات موجود، که تا کنون برای رسانه‌های سنتی وجود داشته‌اند و رسانه‌های نوین نیز می‌شوند، شاید نیاز به رهنمودهای جدیدتری باشد.

به همین جهت، توجه به این موضوع که به منظور چهار چوب دهی فضای جدید رسانه صحبت از ترکیب سه نوع مقررات گذاری در کنار یکدیگر، شامل خود مقررات گذاری همکاری در مقررات گذاری (میان بخش خصوصی و بخش دولتی) و مقررات گذاری دوا میان می‌آید، اهمیت فراوان دارد.^۱

گفتار دوم: توجه به مفهوم «خدمت عمومی» رسانه‌ها، خصیصه ای اروپایی

یکی دیگر از مفاهیمی که اروپایی‌ها را از سایر کشورها متمایز می‌سازد، تأکیدی است که همیشه بر جایگاه رسانه‌های خدمت عمومی^۲ در فضای رسانه‌ای داشته‌اند. نه تنها در فضای

بلکه در فضای نوین نیز اروپایی ها همواره بر اهمیت مفهوم خدمت عمومی رسانه ها اصرار ورزیده اند.

برای توجیه ضرورت رسانه های خدمت عمومی، گفته می شود که رسانه های عمومی، نیاز عموم مردم، به برخورداری از اطلاعات، از فرهنگ، سرگرمی و غیره ... را تأمین می کنند و محتوایی که ارائه می دهند، دارای اعتبار بالاتری نسبت به محتوای بخش خصوصی است. و علاوه بر آن، میان رسانه های خدمت عمومی و «حق بر اطلاعات»، رابطه تنگاتنگی وجود دارد.

در این بخش، به ترتیب به دو موضوع زیر، شامل ارزش «خدمت عمومی» اینترنت و جایگاه رسانه های خدمت عمومی در جامعه اطلاعاتی و دسترسی جهان شمول به اینترنت^۱ و دسترسی جهان شمول به رسانه های خدمت عمومی^۲، که از دغدغه های شورای اروپا هستند، پرداخته می شود.

بندیکم: مفهوم ارزش خدمت عمومی اینترنت

طی سالهای گذشته، به دفعات، شورای اروپا بر ارزش خدمت عمومی اینترنت، تأکید کرده است.^۳ به طور خاص، در سال ۲۰۰۷، کمیته وزیران توصیه نامه ای در مورد «اقدامات در جهت ارتقای ارزش خدمت عمومی اینترنت»، به تصویب رسانده است.^۴ در این متن، چنین خاطر نشان شده است:

ارزش خدمت عمومی اینترنت، به این معناست که افراد بتوانند قویاً بر اینترنت، به عنوان ابزاری ضروری برای فعالیت های روزمره شان، همانند ارتباطات، اطلاعات، دانش و معرفت، تبادلات تجاری ...، حساب کنند و نیز این انتظار را داشته باشند که خدمات اینترنت، قابل دسترسی، با قیمتی مناسب، امن، با اعتبار و مداوم باشند.

وجه «خدمت عمومی» بودن اینترنت و دیگر تکنولوژی های نوین اطلاعات و ارتباطات، به ویژه از آن جهت حائز اهمیت است که موجبات ارتقاء و بهره مندی از حقوق بشر و آزادی های بنیادی کاربران این تکنولوژی ها را فراهم می آورد. در نتیجه، حمایت از آن ها، باید در زمینه راهبری اینترنت، از اولویت های مهم باشد.

1. Acces Universel a' L'internet

2. Acces Universel aux Medias de Service Public

3. La Notion de Valeur de Service Public de L' internet

4. Recommendation CMIRec (2007) 16 of the Committee of Ministers to Member States on Measures to Promote the Public Service Value of the internet

در سال ۲۰۰۹، طی کنفرانس ریکیاویک، شورای اروپا در این زمینه، گامی فراتر برداشته است در متون تصویب شده در این کنفرانس، به دولت‌های عضو توصیه می‌شود که برای ارزش مفهوم ارزش خدمت عمومی اینترنت، تلاش‌های خود را ادامه دهند. از جمله آن که دست جهان شمول به اینترنت را در چهارچوب خدمات عمومی توسعه بخشند و در صورتی که به خصوصی قادر به پاسخگویی نیازها و توقعات مشروع افراد در زمینه‌هایی همچون ساختارها، به تنوع، کیفیت محتوای خدمات ارائه شده و غیره ... نباشد، دولت‌ها باید در صدد رفع آن‌ها برآ در این زمینه، شورا حتی بر مفهوم «وظیفه مثبت»^۱ دولت‌ها اشاره می‌کند. مفهومی که در بین المللی، از جمله تحت تأثیر رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر شکل گرفته است موجب آن، نقش دولت‌ها در تضمین حقوق بشر باید فعال باشد. صرف نقض نکردن حقوق آزادی‌های افراد به تنهایی کافی نیست، بلکه دولت‌ها باید اقدامات لازم را در جهت مله ساختن آن‌ها نیز انجام دهند.^۲

بند دوم: جایگاه رسانه‌های خدمت عمومی در جامعه اطلاعاتی

در فضای رسانه ای جدید که تکنولوژی‌های اطلاعات و ارتباطات، بی وقفه در حال تحول رسانه‌های خدمت عمومی، می‌توانند نقش بسیار مهمی ایفا کنند. شورای اروپا، از طریق کنفرانس‌ها^۳ و نیز تصویب متون متعدد^۴ بر نقش رادیو-تلویزیون خدمت عمومی در فضای یاد شده، تأکیده‌های فراوان به عمل می‌آورد. شورا معتقد است رسانه‌های خدمت عمومی، عنصر مهمی از چشم انداز رسانه‌ای در حال ت به شمار می‌روند. در صورتی که دارای استقلال کافی باشند، (منظور استقلال مالی، استنا تحریریه ای و اصولاً استقلال نسبت به حکومت گران است)، می‌توانند «تنوع رسانه ای» را بدهند.

Obligation Positive

UDRE(F.), Droit Europeen et International des droits de L' Homme. Paris, Puf, 3, pp.164 et s

۳. از جمله کنفرانس‌های یاد شده کیف (مارس ۲۰۰۵) و ریکیاویک (۲۰۰۹)

۴. توصیه نامه کمیته وزرا به دولت‌های عضو در مورد نقش رسانه‌های خدمت عمومی در جامعه اطلاعات (۳۱)

حضور این رسانه‌ها، می‌تواند خطر انحصار را که متوجه رسانه‌های سنتی و نوین است، خنثی کند. انحصار رسانه‌های سنتی و نوین، متأسفانه اصل تکثر و تنوع منابع اطلاعاتی را خدشه دار ساخته است و در نهایت، حق دریافت اطلاعات افراد را نقض می‌کند.

برای حل این معضل، شورای اروپا، همان‌طور که قبلاً نیز گفته شد، دو راه مکمل، از یک سو به رسمیت شناختن ارزش خدمت عمومی اینترنت و مسئولیت‌هایی که برای دولت‌ها به دنبال می‌آورد و از سوی دیگر تقویت رسانه‌های خدمت عمومی را پیشنهاد می‌دهد.

رسانه‌های خدمت عمومی، در صورتی که بتوانند خود را با تحولات سریع فضای دیجیتال و همچنین با تحولات نیازهای مردم، مطابقت دهند، می‌توانند نقش مهمی در فضای جدید دیجیتال ایفا کنند.

طبیعتاً در این جا نیز مسئولیت با دولت‌ها است. رسانه‌های خدمت عمومی یا همان رادیو تلویزیون خدمت عمومی، باید بتوانند در فضای جدید نیز خدمات گوناگونی به مردم ارائه دهند. از این رسانه‌ها معمولاً به عنوان «مرجع استناد مردم»، «عامل انسجام اجتماعی»، منبع بی طرف و مستقل اطلاعات و ارائه دهنده محتوای متنوع، که اخلاق و کیفیت را مورد نظر دارند، برای مباحثه‌های عمومی تکثرگرا، که موجبات مشارکت همگان در امور عمومی را فراهم می‌آورند، یاد می‌شود.^۱

نتیجه گیری

سازمان های منطقه ای و بین المللی، در دهه های اخیر، نقش های مهمی در ارتقای حقوق ارتباطات، داشته‌اند. هر کدام از آن‌ها، سعی کرده‌اند که در زمینه یا زمینه‌های خاصی کار کنند و هر یک صلاحیت یا صلاحیت‌های مشخصی کسب نموده‌اند. در حالی که شورای اروپا بر پیشرفت و گسترش ابعاد حقوق بشری رسانه‌ها تأکید دارد، اتحادیه اروپایی بیشتر، فعالیت های رسانه‌ها را به مانند دیگر فعالیت های اقتصادی تلقی می‌کند.

اتحادیه بین المللی ارتباطات دور، بیشتر به جنبه های فنی ارتباطات در سطح جهانی می‌پردازد، در صورتی که یونسکو به ابعاد حقوقی، اخلاقی، فرهنگی و اجتماعی فعالیت ها و کاربردهای جهانی رسانه‌ها، توجه دارد.

سازمان های منطقه ای و بین المللی مذکور، با وجود تفاوت های موجود در حوزه فعالیت آن در پیمودن سپهر جهانی ارتباطات به سوی هدف ها و آرمان های مطلوب، همسفر هستند. آن ها نه تنها در مورد اصول بنیادین حقوق ارتباطات، یعنی آزادی رسانه ها و حق بر اطلاع که در بخش های قبلی توضیح داده شدند، توافق دارند، بلکه به نظر می آید، در مورد کا تکنولوژی های نوین اطلاعات و ارتباطات در جهت پیشرفت جوامع انسانی و حفظ ه فرهنگی آنان نیز دارای اشتراک نظر اند. بنابراین، در شرایط جدید جهانی، که تکنولوژی نوین اطلاعات و ارتباطات، دیگر مرز نمی شناسند و حاکمیت دولتها هم مانند گذشته برای آن محدودیت پدید نمی آورد، کشورها ناگزیرند که در چهارچوب سازمان های فوق، راج مقررات گذاری فرامرزی ارتباطات و رسانه ها، به توافق برسند.

به این گونه، همگرایی هدف ها و فعالیت های ارتباطی نهادهای فوق، در مورد ضابطه مند عملکردهای رسانه های جدید، که بیش از پیش شاهد آن هستیم، خود نشانه آن است که ظهور حقوق نوین فراملی و جهانی و به بیان روشن تر، یک حقوق جهانی ارتباطی، که در مقاله آ نویسنده، مورد بررسی قرار خواهد گرفت، نزدیک به نظر می رسد.

فهرست منابع

- فارسی

- معتمدنژاد، کاظم و رؤیا، معتمدنژاد. (۱۳۸۶). **حقوق ارتباطات**. جلد یکم. تهران: انتشار مرکز مطالعات و توسعه رسانه ها.
- معتمدنژاد، کاظم. (۱۳۸۸). **حقوق تبلیغات بازرگانی**. تهران: انتشارات مرکز مطالعات توسعه رسانه ها.
- معتمدنژاد، کاظم. (۱۳۹۰). **ارتباطات بین المللی**، جلد دوم. تهران: انتشارات مرکز مطالعه و توسعه رسانه ها.
- معتمدنژاد، رؤیا. (۱۳۸۴). «دیوان اروپایی حقوق بشر و پشتیبانی از آزادی مطبوعات». **اطلاع سیاسی - اقتصادی**. تهران.

جزوات درسی:

بعد از تأسیس دوره کارشناسی ارشد حقوق ارتباطات که برای نخستین بار در ایران، در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی در سال ۱۳۸۷ صورت گرفت، جزوات درسی زیر در اختیار دانشجویان این دوره و دانشجویان دوره کارشناسی ارشد حقوق عمومی، گذاشته شده اند:

- معتمدنژاد رؤیا: «حقوق منطقه ای و بین المللی ارتباطات»، سال تحصیلی ۱۳۸۸
- معتمدنژاد رؤیا: «حقوق ارتباطات سمعی و بصری»، سال تحصیلی ۱۳۸۹
- معتمدنژاد رؤیا: «حقوق تطبیقی ارتباطات»، سال تحصیلی ۱۳۸۸
- معتمدنژاد رؤیا: «حقوق آزادی های عمومی»، سال تحصیلی ۱۳۸۸
- معتمدنژاد رؤیا: «تحولات حقوق عمومی»، سال تحصیلی ۱۳۸۹
- سایت «شورای اروپا» www.coe.int

- لاتین

- "Freedom of Expression in Europe- Case- law Concerning Article 10 of the European Convention on Human Rights", Strasbourg, Council of Europe, Human rights Files No18, 2007.
- AUBY (J.-B.) La Globalisation, Le droit et L'Etat. Paris, Montchrestien, 2003.
- CHEVALLIER (J.), L'Etat de droit, Paris, Montchretien, 3eme ed, 1999.
- Chevallier (J.), L'Etat Post- Moderne, Paris, eds L.G.D.J., 3eme' ed, 2008
- DERIEUX (E.), Droit des Medias, Droit Francais, Europeen et international, Paris 5eme' ed., 2008.
- JAKUBOWICZ(K.). A New notion of Media?, Media and information Society Division Strasbourg, Council of Europe, April 2009
- KARACA(K.), Guarding the Watchdog- the Council of Europe and the Media, Strasbourg, Council of Europe ed, 2004.

LANGE(Y.)(ed. By). Living Together. Ahand book on Council of Europe Standards on Media's Contribution to Social Cohesion, International dialogue, Understanding, Tolarence and democratic Participation Strasbourg, Council of Europe, April 2009.

MORAND(Ch-A.) (Sous la dir,de), Le Droit Saisi Par La Mondialisation, Bruylant, 2001.

MOWES(B.), Fifty Years of Media Policy in the Council of Europe,a review, 6 th European Ministerial Conference on Mass Media Policy, Cracow (Poland), 15-16 June 2000.

Nissen(ch.s.), Public Service Media in the information Society, Media Division Strasbourg Council of Eraope, February 2006

OAKLEY(K.) Highway to democracy- the Council of Europe and the information Society, Strasbourg Council of Europe ed, 2003.

SUDRE(F.), Droit Europeen et international des droits de L'homme, Paris Puf, 6eme' ed.

WACHSMANN (P.) Les Droits de L'homme, Paris Dalloz, Connaissance du droit, 5eme' ed., 2008.